

هنر تقوا

کتابی الهام‌بخش برای افراد

خلاق تا ایده‌های خود را در دنیای

کسب‌وکار عملی کنند و مفید

برای مدیران تا خلاق‌تر باشند

تألیف: ایمی ویتکر

ترجمه: حسین صفرزاده

محمد مرندی

فصل اول

فصل دوم

فصل سوم

فصل چهارم

فصل پنجم

فصل ششم

فصل هفتم

۳۳ وسعت دید

سوزه و محیط ۳۸/ • مدیریت انرژی و زمان ۴۳/ • شکل/زمینه ۴۵/ • زمان کار خلاقانه ۴۹/ • شروع با انواع خلاقیت ۵۳/ • ز عمل کار برآید ۵۷/ • راز نبوغ هنری ۵۹/ • هیچ چیز هدر نمی رود ۶۳/ • اضطراب از عدم فعالیت ۶۷/ • مزایای ندانستن ۶۸/

۷۱ راه پریچ و خم

فرایند خلاقانه در برابر خروجی خلاقانه ۷۵/ • قضاوت کردن در برابر تشخیص دادن ۷۸/ • ایجاد زمان طلایی ۸۶/ • کوهپایه در برابر اورست ۸۸/ • خوب توجه کنید ۹۳/ • مسیر طولانی ۱۰۰/ • شکست در مسیر و تغییر هدف ۱۰۲/

۱۰۵ به سوی منبع نور

مسیریابی بدون نقشه ۱۰۸/ • رسیدن از اهداف اسمارت (SMART) به سوالهای دراماتیک اولیه ۱۱۵/ • پیدا کردن منبع نور خود ۱۲۶/ • برنامه خانوادگی و دوستانه ۱۲۸/ • وقتی کارهای کوچک به سادگی انجام می شوند و کارهای بزرگ سخت به نظر می رسند ۱۳۴/ • عادی کردن کاری ناممکن ۱۳۶/

۱۴۱ قایقی خواهیم ساخت

رایجستار پوشیده شده در برابر توثیتر ۱۴۲/ • تفکر سبب سهام ۱۴۶/ • سرمایه گذاری شخصی ۱۴۹/ • آجر ۱۶۴/ • داشتن دست بالا در کسب و کار ۱۶۷/ • وقتی که کل از مجموع اجزا کمتر است ۱۷۸/ • ویژگی های مالکیت برای آثار دیجیتال ۱۸۷/

۱۹۳ دوستی و رقابت

مدیر نسبتا خوب ۱۹۷/ • معلم و راهنما ۲۰۰/ • دوست-همکاری ۲۰۷/ • تهیه کننده ۲۱۳/ • تخصیص نقش ها برای مدیریت پروژه ۲۲۳/ • برنامه ریزی سنگ نشانه ها ۲۲۷/ • تله های مدیریت کارهای در حال انجام ۲۳۰/ • اندازه گیری عملکرد و استخدام مناسب ۲۳۵/ • اتمام کار ۲۳۸/

۲۴۳ خشت روی خشت بنه، پی تا بام

جایگاه محصول در تحصیلات آکادمیک ۲۴۴/ • استفاده بهینه از مواد اولیه ۲۴۹/ • خشت اول را با ساختار هزینه بگذارید ۲۵۷/ • هزینه های جانبی ۲۵۵/ • زمین فوتبال ۲۶۷/ • موانع طراحی در مکتب سرمایه داری ۲۶۹/ • از خود پرسید چه کاری را اقتصاد می تواند برای شما انجام دهد؟ ۲۷۸/

۲۸۳ کل نگر باشید

ایده های بکر و ناب یا همسویی با ایده های موجود ۲۸۵/ • ستون فقرات پیکره دانش ۲۸۹/ • یک همه فن حریف جدید ۲۹۰/ • هنر و علم ۲۹۳/ • یک سوال درباره هویت حرفه ای ۲۹۹/ • طراحی استعاره شخصی ۳۰۲/ • دوشاخه جهانی ۳۰۷/ • آدام اسمیت یک هنرمند بود ۳۰۹/ • بزرگ ترین سوال های دوران ما ۳۱۷/

رابرت ای هاینلین^۱، زمانی برای عاشقی ۱۹۷۳



هر انسانی باید تمام امور روزمره زندگی را بلد باشد. عوض کردن پوشک بچه، تلاش برای پیشرفت، قصابی، ساخت قایق، بنایی، سرودن شعر، حسابداری، برگزاری مراسم تدفین، دستور دادن، دستور گرفتن، همکاری، مسئولیت‌پذیری، حل معادلات، تحلیل مسئله، کشاورزی، برنامه‌نویسی، پخت و پز، دعا کردن و مردن بدون ترس جزو امور روزانه هستند. تخصصی کار کردن برای حشرات خوب است.

هر وقت توماس فوگارتی متخصص جراحی قلب و عروق و مبتکر دستگانه بالون قلب را ملاقات می‌کنید با لبخند و خوشرویی از شما استقبال می‌کند. انگار نه انگار او از تحصیلات و موقعیت اجتماعی بالاتری برخوردار است. او هنگام صحبت با لحنی آرامش‌بخش و طنین‌انداز حس بودن کنار دریا و استراحت را به شما منتقل می‌کند.

دکتر فوگارتی واقعا انسان موفقی در جامعه است. او مثل کودکان این قابلیت را دارد همه چیز را همان شکلی که هستند می‌بینید و برای بهتر

۱. Robert A. Heinlein: نویسنده امریکایی که به دلیل نوشتن کتاب‌های علمی-تخیلی معروف است.

| فصل اول: وسعت دید |

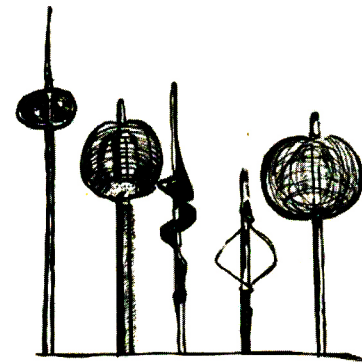
از راه شست و شوی لباس خرج سه فرزندش را تامین می‌کرد و هر چند وقت یک‌بار برای توضیح کارهای او به مدرسه احضار می‌شد. وقتی کلاس هشتم بود برای اولین بار در یک بیمارستان در اوهایو مشغول به کار شد. بیمارستان‌ها در آن زمان از قوانین کار کودکان معاف بودند.

او از شستن ظرف‌ها در بخش تدارکات شروع کرد و در سن ۱۳ سالگی برای هر ساعت کار ۱۸ سنت می‌گرفت. شستن ظرف‌ها برای او کابوس بود برای همین از صابون، اتر و جوش شیرین ماده‌ای ابداع کرد و توانست شست و شوی ظرف‌ها را در نصف زمان قبل انجام دهد.

بیشتر مدت کاری‌اش در بخش تدارکات بود و همین باعث شد، ایده‌ای به ذهن خلاقش خطور کند و راهی برای کوچک کردن قیچی‌های عمل جراحی چشم پیدا کند. پزشکان به او اجازه می‌دادند در اتاق عمل یک گوشه بنشیند و در سکوت کامل به فرایند جراحی نگاه کند. در سن ۱۵ سالگی او حداقل دو کالبد شکافی را از نزدیک مشاهده کرده بود. «او خیلی چیزها را بدون آموزش یاد گرفته بود و فقط با مشاهده آنها را فرا گرفته بود.»

او ذهن سازنده‌ای داشت و از ساکت نشستن گوشه اتاق خسته شده بود. او در ۱۵ سالگی تکنسین اتاق عمل و دستیار دکتر جک کرنلی^۱ شد. دکتر کرنلی ۱۰ فرزند داشت و فوگارتی فرزند یازدهم او شده بود. یکی از مهم‌ترین عمل‌های جراحی، باز کردن گرفتگی عروق بود. برای این کار، جراح باید یک شکاف در کنار رگ گرفته شده ایجاد می‌کرد و رگ‌ها را باز می‌کرد. بعضی

شدن آنها تلاش می‌کند. حتی دستگاه‌های پیشرفته پزشکی در ذهن او ساد و بدون پیچیدگی هستند. او با خانواده بیماران خیلی صمیمی است و سعی می‌کند با کلمات دلگرم‌کننده به آنها روحیه ببخشد. وقتی او در مدرسه ابتدایی بود پدرش بر اثر سرطان فوت کرد. او همچنین شاهد صحنه بستن دست و پای پدرش و انتقال او به تیمارستان در سن پنج سالگی بوده است. حتما او زندگی سخت و پرمشقتی داشته است.



او در جوانی کاری بزرگ کرده است. دستگاه پزشکی ساخته‌شده توسط او در سال جان صدها هزار نفر را نجات می‌دهد. داستان زندگی دکتر فوگارتی از چیزی سرچشمه می‌گیرد که من آن را «سرجمع زندگی» نام گذاشته‌ام. الهامات او فقط از معلومات کاری‌اش نیست بلکه از وسعت دید و ترکیب کار و تفریح سرچشمه می‌گیرد.

هرچند در کودکی بچه بدی نبود اما خیلی پسر ساکتی هم نبود. هر وقت معلم حواسش نبود او از پنجره فرار می‌کرد و به ماهیگیری می‌رفت. مادرش

1. Jack Cranley